

**دانشگاه آزاد اسلامى واحد ابهر**

**موضوع:**

بررسي رابطه بين سبكهاي دلبستگي و اضطراب

در بين دانش آموزان سال سوم دبيرستان

شهر ابهر

**استاد:**

تهيه كننده:

**چكيده:**

هدف از تحقيق حاضر بررسي رابطه بين سبكهاي دلبستگي و اضطراب در بين دانش آموزان سال سوم دبيرستا شهرستان ابهر است كه فرضيه عنوان شده اين است كه بين اضطراب و سبكهاي دلبستگي رابطه وجود دارد كه جامعه مورد مطالعه دانش آموزان مقطع سوم دبيرستان شهر ابهر است كه 80 نفر به عنوان نمونه انتخاب شده و آزمون اضطراب كتل و سبكهاي دلبستگي بر روي آن اجرا گرديده كه جهت آزمون فرضيه از روش آماري ضريب هم بستگي پيرسون استفاده گرديده و چون t حامل 273/1 از اعتبار جهت پايايي ضريب هم بستگي از t جدول 676/2 در سطح معني داري 5% كوچكتر است پس مي توان گفت كه فرضيه تحقيق مورد تأييد قرار نگرفته و بين اضطراب و سبكهاي دلبستگي رابطه وجود ندارد.

**فصل اول**

**كليات تحقيق**

**مقدمه:**

تعامل اجتماعي با والدين در طول مراحل رشد نفس يا خود اهميت بسزايي دارد.آنچه اهميت زيادي دارد رابطه والد – فرزند است كه مي تواند نگرانيها را كاهش يا افزايش دهد اگر مادر يا مراقب اصلي، محبت و امنيت كافي تأمين كند، نفس به تدريج و به طور منظم رشد خواهد كرد و كودك به رشد روان شناختي مثبت كافي دست خواهد يافت انگيزهاي كودكي آزاد خواهند بود تا به تلاشهاي خودمختاري بزرگسالي تبديل شوند و الگوي آمادگيهاي شخصي شكل خواهد گرفت و نتيجه آن بزرگسال پخته و سالم خواهد بود.در صورتي كه نيازهاي كودكي ناكام شده باشند ، نفس به قدر كافي پخته نخواهد شد و كودك ناامن، متوقع ، حسود و خودخواه خواهد شد و از رشد روان شناختي او جلوگيري مي شود كه تمام اين مراحل مي تواند باعث اضطراب شود.سبكهاي دلبستگي نشانگر شخصيت است و اين سبكها نه تنها منشاء اثرات مهمي بر روي روان شناسي شخصيت و روان شناسي تحولي بوده بلكه تأثير غيرقابل اغماضي بر آسيب شناسي رواني و ابعاد مختلف روان درمانگري مانند خانواده درماني و زناشويي و روان درمانگري نوجوان داشته است.امروز اين نظريه الهام بخش هزاران پژوهش درباره نقش نوع دلبستگي به تحول شخصيت، رشد اجتماعي، انواع اختلالهاي رواني مانند اضطراب ، اضطراب جدايي، مدرسه هراسي، اختلالهاي تغذيه اي .... بوده است.

مسألة اصلي در اين پژوهش بررسي رابطه هويت خود، سبكهاي دلبستگي و ويژگي هاي شخصيتي است و براي دست يابي به اين هدف سؤال هايي مطرح شده است سبك هاي دلبستگي نقش مهمي در كنترل روابط نزديك عاطفي و بخصوص روابط زوجين ايفا مي كنند و هم چنين پيشنهاد شده است كه براي فهم بهتر كيفيت رابطه زوجين بررسي سبك هاي دلبستگي در همسران مهم تر است و همين موضوع در بين نوجوانان و سبك هاي دلبستگي كه بين نوجوانان و خانواده ها ايجاد مي شود و گاهي اوقات ممكن است كه وابستگي به اين سبك ها باعث مشكلات روحي و رواني در فرد شود.

**بيان مسأله:**

ما انسانها در كودكي از بابت تأمين نيازهاي اوليه و داشتن امنيت رواني و مادي كافي وابستگي زيادي به نزديكان خود داريم.اگر با وجود اين نزديكان ما مانند پدر و مادرمان (بجاي محيط امن و راحت) باعث ايجاد محيط پر از فشار و تنش و نگراني و ترسهاي خفقان آور شوند ( بدليل عدم شكل گيري واكنشهاي دفاعي در كودكان) اين امر باعث شكل گيري خشم و عصبانيت زياد در ما مي شود، همچنين تعرضات جنسي كه از سوي نزديكان به كودك مي شود نقش بسيار مهمي در شكل گيري چنين تعارضي در وي مي شود.گر چه فردي كه داراي سبك دلبستگي اجتنابي است در صورت از بين رفتن رابطه، احساس «بد بودن» نمي كند اما كساني كه اين سبك دلبستگي را دارند، بهاي سنگيني پرداخت مي كنند، چرا كه از روابط شان هرگز لذت نمي برند، سبكهاي دوست داشتن و دلبستگي كه افراد در روابط خود به كار مي گيرند بستگي به زمينه هاي فرهنگي و الويت هاي فردي و تفاوت هاي جنسيتي آنها دارند.( محمدي، 1383)

**سئوال مسأله:**

آيا بين سبكهاي دلبستگي و اضطراب رابطه معني داري وجود دارد؟

**اهميت و ضرورت تحقيق:**

مسألة اساسي در اين پژوهش بررسي رابطه سبك هاي دلبستگي و ويژگي هاي شخصيتي به خصوص اضطراب است.براي دست يابي به اين هدف سئوالهاي مطرح شده و متغيرهاي ذكر شده و تعاريف ميان متغيرها ارائه شده است ابتدا مفهوم كلي هويت و پايه هاي نظريه آن با توجه به ديدگاههاي اريكسون و مارسيا مطرح و حالات را پايگاههاي هويتي چهارگانه مارسيا كه عبارتند از اضطراب آشفته و اضطراب زودرس، اضطراب تعليق و حالت اضطراب پيشرفت و هم چنين عوامل تأثير گذار بر اضطراب مورد بررسي قرار گرفته است پس مفهوم دلبستگي و پايه هاي نظري آن و سبك هاي دلبستگي در چرخه زندگي و كنش آنها با توجه به نظريه روان تحليل گري فرويد و ديدگاههاي ويني كات مورد بررسي قرار گرفته است و هم چنين در مورد تفاوتهاي فردي در دلبستگي و تأثير وضعيت اقتصادي خانواده، است كه اهميت اين موضوع در رابطه بين سبكهاي دلبستگي و اضطراب در محيط خانواده و نهادهاي خانواده و نهادهاي آموزشي مورد توجه قرار گرفته است.

**اهداف تحقيق:**

هدف تحقيق در تحقيق حاضر بررسي رابطه بين سبكهاي دلبستگي و اضطراب در بين نوجوانان مقطع سوم دبيرستان شهر ابهر است و اينكه آيا بين سبكهاي دلبستگي و اضطراب رابطه وجود دارد آيا پيوند عاطفي عميقي كه افراد ديگر در زندگي برقرار مي كنند مي تواند در كاهش يا افزايش اضطراب تأثير داشته باشد، آيا احساس شعف و نشاط مي توان دلبستگي را بيشتر كند يا نه؟

**فرضيه تحقيق:**

بين سبكهاي دلبستگي و اضطراب رابطه وجود دارد.

**متغيرهاي تحقيق:**

سبكهاي دلبستگي = متغير وابسته

اضطراب : متغير مستقل

**تعاريف نظري و عملياتي واژها و مفاهيم**

سبكهاي دلبستگي : عبارت است از پيوند عاطفي عميقي كه با افراد خاص در زندگي خود برقرار مي كنيم طوري كه باعث مي شود وقتي با آنها تعامل مي كنيم ، احساس نشاط و شعف كرده و به هنگام استرس از اينكه آنها را در كنار خود داريم.احساس آرامش كنيم و در آخر عبارتند از نمره اي كه آزمودني از آزمون سبكهاي دلبستگي بدست آورده اند.

اضطراب: عبارتند از ناكامي و احساس نارضايتي در بين افراد و ايجاد ترس و دلهره و تشويش و لرزش در بين اعضاي بدن و احساس ناكامي در رسيدن به هدفي در زندگي و بالاخره عبارتند از نمره اي است كه آزمودني از آزمون اضطراب كتل بدست آورده است.